

کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در مشروعیت‌بخشی انقلاب اسلامی

داریوش نظری^۱
اکرم کرملی^۲
احسان صادقیان دهکردی^۳
مجتبی ذهابی^۴

چکیده

هدف: هدف از نگارش مقاله حاضر، ارائه کلان‌روایتی تاریخی از مرتضی مطهری و تبیین جایگاه آن در مشروعیت‌بخشی نسبت به گفتمان سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی بود. **روش:** در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، کلان‌روایت تاریخ‌نگارانه مطهری، واکاوی و نقش آن در مشروعیت‌بخشی سیاسی و تأثیر تئوریک بر بنیانهای نظری انقلاب اسلامی بررسی شد. **یافته‌ها:** نظام تاریخ‌نگارانه مطهری که برآمده از جهان‌بینی دینی و برداشت شیعی از قرآن و احادیث است، به مثابه مهم‌ترین آیشخور نگرش تاریخی وی، نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است و در پی آن، کلان‌روایتی خلق شده که سیر حرکت تاریخ را به کمک مفاهیمی همچون: فطرت، غیبت، امامت، تکامل، تکامل معنوی، و مفاهیمی از این دست تبیین کرده است. **نتیجه‌گیری:** تفکر و بینش تاریخی مطهری در مشروعیت‌بخشی به انقلاب اسلامی در ایران، پیوندی ایدئولوژیک و تئوریک برقرار کرد و پدیده سیاسی انقلاب در نظر وی، مؤلفه‌ای مهم برای تداوم سیر روند تاریخ بر مبنای فطرت و مهدویت بوده است.

واژگان کلیدی: مطهری، فراروایت، تاریخ، مشروعیت، انقلاب اسلامی.

◇ دریافت مقاله: 98/12/01؛ تصویب نهایی 99/04/10.

1. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه لرستان.

2. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات، دانشگاه لرستان.

^۳. دانش‌آموخته دکتری، تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران.

^۴. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)/نشانی: خرم‌آباد؛ خیابان انقلاب،

کوچه آراسته هفتم، پایین‌تر از سی متری، پلاک 162/نمبر: 33207278 /33207278 Email: mojtabazahabi1365@yahoo.com

الف) مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات قبل و بعد از پدیده انقلاب اسلامی در میان جریانهای فکری - سیاسی ایران، تلاش برای به دست دادن خوانشهای متفاوت و متمایز تاریخی با هدف پوشش دادن و بر طرف کردن برخی الزامات و اقتضائات هویتی بود که بدون استثنا ذهن و زبان تمامی نیروها و گروههای درگیر در سپهر سیاسی ایران اعم از ملی‌گرا، اسلام‌گرا، چپ و ناسیونالیسم و غیره را درگیر خود می‌ساخت. این روند، تلاشی بود برای ارائه خوانشی از تاریخ که با مهم‌ترین و بنیانی‌ترین مؤلفه‌های ایدئولوژیکی این جریانهای فکری مطابقت داشته باشد و مشروعیتی به حرکت و ماهیت کنشگری فکری - سیاسی آنان ببخشد که در عین برجسته‌سازی خود، دیگری را به حاشیه براند و فضا را به منظور تأثیرگذاری بیشتر و بهتر بر جریان قدرت فراهم آورد. این مسئله البته تا پیش از آغاز تدریجی روند انقلاب در ایران، همواره بخشی از منازعات و مباحثات مهم میان گروهها و جریانهای سیاسی به شمار می‌رفت؛ اما با نزدیک‌تر شدن به وقوع انقلاب و پس از آن، این منازعات معرفت‌شناختی تداوم یافت. بنابر این، یکی از مهم‌ترین مجادله‌ها و منازعات فکری - اندیشه‌ای قبل و بعد از انقلاب را می‌توان همین گونه‌گونی نگرشهای کلان تاریخی دانست که در نتیجه آن، آفرینش کلان‌روایتی از تاریخ رخ می‌داد. ویژگی اساسی این کلان‌روایتها، همچنان که برخی فیلسوفان بدان اشاره کرده‌اند، آفرینش گونه‌ای داستان جامع و فراگیر بود که یک حقیقت جهانی و استعلایی را جستجو می‌کرد. (رودی، 1389: 20-18؛ فی، 1381: 332-331)

این مفهوم، نخستین بار توسط فرانسوا لیوتار ارائه شد. کلان‌روایت نزد او، تلاشی آگاهانه بود که در آن سعی می‌شد روایتی کلی و فراگیر از تجارب، وقایع گوناگون تاریخی و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی ارائه دهد تا طبق آن، حقیقتی فراگیر یا ارزشهایی جهانی بنیان نهاد (لیوتار، 1380: 18-9؛ حقیقی، 1381: 27). بنابر این، نکته قابل تأمل درباره کلان‌روایتها این است که دایره شمول گسترده و وسیعی دارند و بسیاری از حوزه‌ها را می‌توانند در بر بگیرند. آنچه مشخص است اینکه، مدعیات دینی درباره آغاز و انجام جهان، رویکرد مکاتب فکری - سیاسی و ایدئولوژی‌های مدرن نسبت به روند حرکت تاریخ و سرنوشت محتوم بشر و حوزه‌هایی از این دست، بیشترین تأثیر را بر خلق کلان‌روایتها دارند. (پاول، 1379: 35-40؛ بهشتی، 1377: 23-11؛ سروش، 1357: 40-39)

در چنین بستری از تحولات فکری - فرهنگی بود که اندیشه‌ها، آرا و تفکرات مرتضی مطهری نیز به مثابه جریانی نیرومند و با پشتوانه نظری مطرح شد. او با نقد برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های تاریخی این دوره، همزمان خود نیز به ارائه کلان‌روایتی از تاریخ مشغول شد که نه تنها جایگاهش را به مثابه متکلمی آشنا به فلسفه و تاریخ را روشن می‌ساخت، بلکه همزمان پرده از این واقعیت تاریخی نیز برمی‌داشت که خوانش تاریخی مطهری و کلان‌روایت ویژه او، در عین حال در تطابق و هماهنگی کامل با حکومت سیاسی و مشروعیت‌بخشی به آن قرار دارد. بنابر این، پیوندی میان آرای تاریخی و اندیشه‌های کلان مطهری درباره

1095 ♦ داریوش نظری و همکاران

تاریخ و روند حرکتی آن با مشروعیت سیاسی ایجاد شد و این آرای تاریخ‌نگرانه، خادم تثبیت و استقرار و تداوم وضع سیاسی موجود شد. اینکه متکلم (مورّخی همچون مطهری) تحت تأثیر کدام آبشخورهای فکری - ایدئولوژیکی و از دریچه کدام باورهای اعتقادی به جریان تاریخ می‌نگریست و زبان و مفهوم‌سازی‌های او در این زمینه تحت تأثیر چه پیش‌زمینه‌های فکری بود و تکامل روند تاریخ برای او چگونه به تثبیت حکومتی سیاسی یاری می‌رساند و پیوند امر سیاسی با نگاه کلان تاریخی نزد وی چگونه و از چه مسیرهایی میسر می‌شد، مسئله این پژوهش است. در واقع؛ مسئله، واکاوی چرایی و چگونگی پیوند مؤلفه‌های مهم کلان‌روایت تاریخی مطهری و مشروعیت نظام سیاسی بعد از انقلاب اسلامی است.

درباره کلان‌روایت در بینش تاریخ‌نگرانه مطهری و پیوند آن با مشروعیت، پژوهشی انجام نشده است؛ اما درباره سایر مؤلفه‌های مندرج در بینش تاریخی وی پژوهش‌های چندی انجام شده است. این پژوهش‌ها هم از منظر کلامی - فلسفی به اندیشه‌های تاریخی مطهری پرداخته‌اند و هم از منظر تاریخی به آرا و اندیشه‌های وی در باب برخی حوزه‌های مطالعات تاریخی؛ از جمله: «انقلاب و تحولات اجتماعی از دیدگاه استاد مطهری» (لک‌زایی، 1380)، «مطهری و مفاهیم تاریخی در قلمرو فلسفه علم تاریخی» (ملایی‌توانی، 1388)، «درآمدی بر امکان تولید علم جدید اسلامی بر اساس اندیشه استاد مطهری در فلسفه تاریخ» (نجفی، 1391)، «مقایسه فلسفه علم تاریخ از دیدگاه ابن خلدون و استاد مطهری» (نجفی و جوادزاده، 1393)، «بررسی و نقد اندیشه تکامل در تاریخ از منظر استاد مطهری» (سلیمانی امیری، 1394)، «مفهوم فطرت: امکانی برای طرح نظریه فلسفه تاریخ» (طالب‌زاده و همکاران، 1397)، «جریان علّیت در تاریخ، تأملی در نگرش سارتر و مطهری» (موفق، 1397). آنچه مشخص است اینکه، در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به پیوند کلان‌روایت تاریخی مطهری و پیوند آن با مشروعیت تمرکز نشده است. محتوای این تحقیقات به جز برخی استثنائات، فاقد رویکرد انتقادی نسبت به آرا و اندیشه‌های تاریخی مرتضی مطهری‌اند و اغلب با رویکردی همدلانه و اغلب ایدئولوژیک به بازخوانی این آرا و اندیشه‌ها پرداخته‌اند.

ب) کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری

1. عناصر و مؤلفه‌ها

میراث فکری مرتضی مطهری در حوزه معرفت تاریخی، علاوه بر در بر گرفتن مجموعه‌ای از آرا و نظرها درباره فلسفه تاریخ، فلسفه نظری تاریخ، علم تاریخ، عوامل محرک تاریخ و غیره، بینشی تاریخی را نیز شامل می‌شود که بنیان و اساس ایده‌ها و اندیشه تاریخ‌نگرانه وی را سامان می‌دهد و از جهان‌بینی وی که مبتنی بر قرائتی از سیر تاریخ است، پرده برمی‌دارد. در واقع؛ تاریخ برای مطهری، آغاز و انجمنی دارد که با آغاز و انجام دیگر قرائتها و خوانشهای تاریخی متمایز و متفاوت است. همین مسئله، نگرش تاریخی وی را

1096 ♦ کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در ...

در زمره فراروایتها یا کلان‌روایت‌هایی قرار می‌دهد که ناشی از یک نحوه تلقی خاص از جهان یا فرم خاصی از جهان‌بینی است. در واقع؛ او به تاریخ از منظری دیگر می‌نگرد و تداوم و تحرک آن را به سبب نقش و تأثیر نیروها و عوامل مشخصی می‌پندارد که بر تافته از جهان‌نگری دینی - اعتقادی است. بنابر این، قرار دادن بینش تاریخی مطهری ذیل مفهوم کلان‌روایت، از این نحوه تلقی به تاریخ از جانب وی سرچشمه می‌گیرد. در واقع؛ کلان‌روایت مطهری از تاریخ، بر تافته از زیست‌جهان وی به مثابه یک متکلم - فیلسوف مسلمان شیعی است که نمی‌تواند تلقی دینی - اعتقادی را درباره وضعیت جهان، آغاز و انجام آن، سیر حرکتی و نیز جریانهای تأثیرگذار بر روند تاریخ نادیده بگیرد. بنابر این، آگاهانه یا ناآگاهانه، کلان‌روایت تاریخی مطهری رنگ و بویی سیاسی به خود می‌گیرد و درصدد برجسته‌سازی خود و به حاشیه راندن دیگر خوانشهای تاریخی و حتی دیگر ایدئولوژی‌های سیاسی برمی‌آید. بر این اساس، نگرش تاریخی و بینش تاریخ‌نگرانه مرتضی مطهری را می‌توان و می‌بایست کلان‌روایتی به شمار آورد که دارای ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و مبتنی بر جهان‌بینی خاصی است که روند تاریخ را برای وی به گونه‌ای متمایز دارای معنا و مفهوم می‌سازد.

یک) تاریخ: فطرت و طبیعت

از منظر مرتضی مطهری، تاریخ بر دو عنصر فطرت و طبیعت بنیان نهاده شده است و در سایه این دو مفهوم، کل بینش تاریخ‌نگرانه وی قوام می‌یابد. بنابر این، در تبیین مسئله فطرت، بر این تأکید می‌کند که: «در پدیده تاریخ مانند افراد، گرایشهای خاصی نهفته است. یکی از تمایلهای تاریخ، تمایل به کمال‌خواهی است. طبیعت تاریخ به سبب این میل، همواره رو به تکامل است؛ ولی چون استعدادهاى نهفته در تاریخ مانند استعدادهاى افراد، جنبه مادی و معنوی دارد، تکامل تاریخ تنها منحصر در تکامل در امور مادی و ابعاد سخت‌افزاری تمدن بشری نیست، بلکه جنبه معنوی؛ یعنی فکری و فرهنگی و اخلاقی نیز دارد» (مطهری، 1390، ج 24: 423). بر اساس چنین بینشی، تاریخ به صورت مداوم در حرکت است. اما بر خلافت ایده حرکت، تاریخ در اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های دیگر مانند مارکسیسم و غیره، در جهتی که دو بعد مادی - معنوی بشری را پوشش دهد، در حرکت است: «طبیعت تاریخ نه یک طبیعت مادی محض، بلکه مانند طبیعت فرد انسان، طبیعتی مزدوج است از ماده و معنی. تاریخ صرفاً یک حیوان اقتصادی نیست. تحول و تکامل تاریخ تنها جنبه فنی و تکنیکی ابزارى و آنچه بدان تمدن نام می‌دهند، ندارد؛ گسترده و همه‌جانبه است؛ همه شئون معنوی و فرهنگی انسان را در بر می‌گیرد و در جهت آزادی انسان از وابستگی‌های محیطی و اجتماعی است» (همان: 423). این سیر حرکتی تاریخ در جهت آزادی انسان، به عامل متحرکی نیازمند است که این عامل در بینش تاریخی مطهری، فطرت است: «عامل محرک حرکت تکاملی تاریخ، فطرت کمال‌خواه نهفته در سرشت تاریخ و انسانهای بازیگر آن است و این نیرو موجب پیشرفت مادی و معنوی یا تمدنی و فرهنگی جامعه بشری می‌شود؛ زیرا تکامل ابزار تولید به نوبه خود، معلول حس فطری کمال‌جویی و تنوع‌طلبی و

گسترش خواهی و ناشی از نیروی ابتکار انسان است. این حس و این نیرو در همه جوانب زندگی انسانی، به موازات با یکدیگر، در حال گسترش بوده و هست.» (همان: 423-424)

دو) مطهری و مسئله پایان تاریخ

پایان تاریخ در منظومه تاریخ‌نگرانه مطهری، لحظه‌ای است که به معنویت وعده داده شده از سوی دین ختم می‌شود و این حاصل نمی‌شود جز در کشمکش مداوم و مستمر بین نیروهای مادی و معنوی که البته پیروز آن، معنویت است و این لحظه سرنوشت‌ساز تاریخ است که به صورت دقیق الهام گرفته از متن مقدس و برداشتی از نخستین جدالهای انسانی به روایت قرآن در درگیری هابیل و قابیل است. بنابر این جهان‌بینی، انسان‌شناسی مطهری نیز تحت تأثیر کشاکش و تقابل این دو نیروی تأثیرگذار قرار می‌گیرد: «انسانها دارای دو گرایش متضاد دنیوی و اخروی یا مادی و معنوی یا پست و متعالی هستند. برخی از انسانها دارای گرایشهای حیوانی قوی و برخی دارای میلهای انسانی پررنگ‌تری هستند. تاریخ عرصه نزار میان دو گروه مذکور است. در نتیجه، همواره درگیر یک نبرد درونی بین این دو گرایش هستند و این نبرد منجر به نبرد میان گروههای اجتماع می‌شود؛ یعنی به نبرد میان انسانهای کمال‌یافته و دارای آزادی معنوی و انسانهای منحط و حیوان‌صفت کشیده می‌شود؛ چنان‌که قرآن مجید این نبرد را در آغاز خلقت، در داستان هابیل و قابیل به تصویر کشیده و قدام از آن با عنوان نبرد میان عقل و نفس یاد کرده‌اند. این نبردها همواره در تاریخ وجود داشته است و نقش اصلی در پیشبرد تاریخ ایفا می‌کند.» (مطهری، 1376: 178)

3. مطهری و آخرت‌گرایی تاریخی: نقد مادی‌گرایی تاریخی

نقد مطهری به برداشتهای آخرت‌گرایانه مبتنی بر مؤلفه‌های صرفاً مادی، مانند تاریخ‌نگری مارکسیستی، گاه وی را تحریک و تشویق می‌کرد تا به منظور رد چنین نگرشهایی، از علوم مدرنی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کمک بگیرد و استدلال خود را به پشتوانه آرای به دست آمده در این علوم استحکام بخشد؛ اگر چه نتیجه‌ای که در نهایت می‌گیرد، مبتنی بر آموزه‌های اعتقادی - ایمانی مندرج در متن مقدس درباره تاریخ و حرکت و نهایت آن است: «همین اصول مادی که مورد پذیرش مارکسیست‌هاست، اصالت وجدان فکری بشر را متزلزل خواهد کرد؛ چون طبق این تفسیر تاریخی، وجدان هر کسی مؤلفه‌ای است تحت تأثیر شرایط مادی وی و شخص به حکم اینکه در جنبه اصول و قواعد مادی قرار دارد، به ناچار باید طرز قضاوت وی را عاملی تحت تأثیر شرایط مادی وی دانست که بر خلاف اصالت فکر و اصالت قضاوت است. بنابر این، تقدّم ماده بر روح یا تقدّم نیازهای مادی بر نیازهای معنوی، تقدّم کار بر اندیشه، تقدّم جامعه‌شناسی انسان بر روان‌شناسی او و در کل، تقدّم اصول مادی بر جنبه‌های معنوی، از مهم‌ترین شاخصه‌های این جهان‌بینی مارکسیستی است که بر خلاف آموزه‌های قرآن است.» (مطهری، 1389: 102-88)

از نظر قرآن، روح اصالت دارد و ماده هیچ‌گونه تقدیمی بر روح ندارد. نیازها و کششهای معنوی در وجود انسان، اصالت دارد و وابسته به نیازهای مادی نیست. اندیشه در برابر کار اصالت دارد و همین‌طور شخصیت فطری و روانی انسان بر ابعاد اجتماعی وی. قرآن به حکم اینکه به اصالت فطرت قائل است و درون هر انسانی، حتی انسانهای مسخ‌شده‌ای مانند فرعون، یک انسان بافطره که در بند کشیده شده است را سراغ دارد. برای مسخ‌شده‌ترین انسانها هم امکان جنبش در جهت حق و حقیقت، ولو امکانی ضعیف، قائل است. از این رو، پیامبران خدا مأمورند تا در درجه نخست به پند و اندرز ستمگران پردازند که شاید فطرت اصلی خویش را آزاد کنند و شخصیت فطری آنان را علیه شخصیت پلید اجتماعی‌شان برانگیزانند. (مطهری، 1382: 86)

4. مطهری و مسئله پیشروی و محرک تاریخ

در چنین بینشی، مسئله پیشبرد تاریخ و چرایی و چگونگی آن اهمیت قابل تأملی می‌یابد. تبیین این مسئله در آرای تاریخ‌نگرانه مرتضی مطهری، با یاری گرفتن از مفاهیمی مانند فطرت و تکامل امکان‌پذیر است. اهمیت این مسئله آنجاست که این تلقی از پیشروی تاریخ، در نهایت راه را برای ظهور منجی موعود فراهم می‌آورد که به مثابه مهم‌ترین و بنیانی‌ترین مسئله سیاسی - اعتقادی و آخرت‌شناختی تشیع شناخته می‌شود: «بردهای پیش‌برنده تاریخ موجب تکامل انسانیت و ابعاد متعالی فطرت بشر شده است؛ زیرا چه در گذشته تاریخ و چه در آینده، جنبه ایدئولوژیک و ارزشی نبردها، به تدریج بیش از جنبه مادی بوده و خواهد بود؛ یعنی برخی از انسانها به جای اینکه بر سر شکم و شهوت و زمین و پول با هم بجنگند، برای دستیابی به اهداف معنوی و آرمانهای متعالی با دیگران می‌جنگند. در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً بیشتر جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده و می‌کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزشهای انسانی به مراحل کمال خود؛ یعنی به مرحله انسان ایدئال و جامعه ایدئال نزدیک‌تر می‌شود، تا آنجا که در نهایت امر، حکومت عدالت؛ یعنی حکومت کامل ارزشهای انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی تعبیر شده است، مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان‌مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود. ... این امر، نوعی تکامل محسوب می‌شود؛ زیرا جنگ بر سر شهوات حیوانی در عالم حیوانات هم وجود دارد و هیچ تأثیری در رشد ابعاد انسانی انسان ندارد، ولی وقتی انسانهایی برای برقراری توحید و معنویت و استقرار دین حق می‌جنگند، به یقین ابعاد معنوی وجودشان رشد می‌کند. (مطهری، 1390، ج 24: 426)

بنابر این، چگونگی این بازخوانی تاریخی و چرایی اهمیت آن در منظومه تاریخ‌نگری مرتضی مطهری را می‌بایست در کلیت بینش تاریخ‌نگرانه وی جستجو کرد. در این زمینه، صدر اسلام برای مطهری قابل تأمل است. از نظر وی، این دوره همان مقطع حساس تاریخی‌ای است که قیامی در جهت ایمان و ایدئولوژی شکل گرفته است و می‌بایست در نهایت هم به همین دو مؤلفه ختم شود: «در آن عصر، انسانهایی ظهور کردند که با ایمان به توحید و وحی و نبوت و معاد، در راه رشد یکتاپرستی و احیای ارزشهای دینی و نفی شرک و بت‌پرستی جنگیدند و به جای جنگ برای شکم و شهوت، بر سر امر به

1099 **داریوش نظری و همکاران**

معروف و نهی از منکر و احیای ایدئولوژی و ارزشهای اسلامی جانفشانی کردند؛ یعنی بر اساس بصیرت دینی با شمشیر جهاد می‌کردند، نه بر پایه شکم و شهوت و شهرت». (مطهری، 1389: 426-433)

علاوه بر این، استناد به محتوای متن مقدس نیز در جهت تبیین این نگرش تاریخی خاص در روش تاریخ‌نگاری مطهری جایگاهی ویژه دارد: «بدون شک، تعبیر و تفسیر قرآن از تاریخ، به شکل دوم؛ یعنی تفسیر فطری تکامل در تاریخ است. از نظر قرآن مجید، از آغاز جهان، همواره نبردی پیگیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل، میان گروهی از طراز ابراهیم و موسی و عیسی و محمد - صلوات‌الله علیهم - و پیروان مؤمن آنها و گروهی از طراز نمرود و فرعون و جباران یهود و ابوسفیان و امثالهم برپا بوده است؛ هر فرعون موسایی در برابر خود داشته است. در این نبردها و ستیزها، گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است». (همان: 432, 433)

5. **مطهری و تبیین مسئله مهدویت در جریان تاریخ**

این طرز نگاه به جریان تاریخ و نگرش مؤمنانه - اعتقادی به فرجام آن، در کلیت تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مطهری، راه به مسئله پراهمیت‌تری نیز می‌برد و آن مسئله مهدویت و ظهور است. در واقع؛ مسئله مهدویت را می‌توان از کانونی‌ترین مؤلفه‌ها در فراروایت تاریخی مرتضی مطهری به شمار آورد که به نوبه خود، نقشی بی‌بدیل در مسئله مشروعیت سیاسی انقلاب اسلامی ایفا کرد. اهمیت این مسئله به گونه‌ای است که حجم قابل توجهی از اندیشه‌های فلسفی - کلامی - تاریخی مطهری به آن اختصاص داده شده است. فارغ از وجوه کلامی - فلسفی مسئله مهدویت و ظهور، آنچه از منظر تاریخی در آرای تاریخ‌نگرانه وی قابل تأمل و اهمیت است اینکه، فرجام تاریخ از دید مطهری پیوند وثیق و تردیدناپذیری با ظهور منجی برقرار می‌سازد و از این منظر، سامانه فراروایت تاریخی وی را می‌توان ختم به ظهور منجی دانست: «تکته بسیار مهمی که در جنگ حق و باطل نباید مورد غفلت واقع شود، این است که نظام جهان، نظام اخلاقی است. در منظر دینی، جهان چنین نیست که در برابر عمل خوب و بد، واکنش یکسانی داشته باشد و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان امدادهای غیبی یاد می‌شود. که همگی حکایت دارد معادلات حاکم بر جهان، بسیار بیشتر از معادلات مادی و عادی است که با چشم سر مشاهده می‌شود که یکی از این معادلات مهم، آمدن حضرت مهدی برای نبرد نهایی حق و باطل است. از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. در واقع؛ مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفه بعثت انبیا است که فلسفه خلقت نیز هست». (مطهری، 1374: 68-75)

2. **پیوند کلان‌روایت تاریخی مطهری با مشروعیت انقلاب اسلامی**

آنچه بیش از هر مؤلفه دیگری پیوند کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری را با مسئله مشروعیت انقلاب اسلامی ایجاد می‌کرد و استحکام می‌بخشید، تکیه تنوریک انقلاب اسلامی بر قرائت شیعی از تاریخ

1100 ♦ کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در ...

تحولات مذهب در ایران بود. مشخص بود که نظام برآمده از انقلاب، نظریه حکومتی ولایت فقیه آیت‌الله خمینی را به مثابه مهم‌ترین رکن اساسی حکومت جدید پذیرفته و دیگر برداشتها و گرایشهای سیاسی را به حاشیه رانده است. نکته قابل تأمل در این میان، تکیه محکمی بود که مشروعیت نظام جدید بر خوانشی شیعی از تاریخ ایران داشت. در این خوانش شیعی، برجسته‌تر شدن تحولات تاریخ صدر اسلام، بازخوانی رویدادهای مهم دوره حیات و پس از وفات پیامبر(ص)، تلاش به منظور تطبیق روند انقلاب با آموزه‌های تئوریک نظریه امامت در فقه و کلام شیعه، نقد مداوم جریانهای مقابل تشیع، تلاش برای کانونی‌تر کردن روحانیت به مثابه مهم‌ترین مرجع و منشأ مشروعیت نظام سیاسی و عواملی از این دست، در میدانی نوعی روح اعتقادی - مذهبی - ایدئولوژیکی در جریان انقلاب ایران و تحولات پس از آن، نقش بسیار مهمی ایفا کرد. (امام خمینی، 1378، ج 1: 250؛ ج 2: 263، 182؛ مریام، 1379: 63؛ الگار، 1369: 323)

علاوه بر مؤلفه‌هایی مانند پذیرش مردمی، وجه کاریزماتیک رهبری انقلاب، نارضایتی‌ها از وضع موجود و شعارهای جدید مطرح‌شده در روند انقلاب و عواملی از این دست، وجهی دیگر از مشروعیت نظری حکومت را خوانشهای تاریخی‌ای بر عهده گرفتند که نقش آنها در تثبیت وضعیت جدید بسیار پراهمیت بود. نقش این اهتمامهای نظری می‌توانست این حرکت انقلابی را به مثابه جریان مستمری تبیین کند که اگر چه از صدر اسلام تاکنون بنابر برخی مقتضیات و دلایل و عوامل تاریخی به حاشیه رانده شده بود، اما اینک به نقطه اصلی خود بازگشته و موفق به در دست گرفتن حکومت و سیاست در ایران شده است. تمامی این مؤلفه‌ها، در هماهنگی قابل تأملی با هم قرار می‌گرفتند تا بدین وسیله جریان تاریخ را روندی به شمار آورند که در نهایت به جایی ختم می‌شد که اکنون انقلاب اسلامی در آن به وقوع پیوسته بود. در واقع؛ انقلاب اسلامی در سال 57، بازگشتی بود به نظریه مشروعیت الهی حکومت؛ بازگشت به این نظر که حکومت به خداوند متعلق است و تنها کسی حق حاکمیت دارد که مؤید از جانب خدا باشد. حال این تأیید می‌تواند به نحو خاص و به صورت مصداقی باشد، همانند حق حاکمیت پیامبر(ص) و امامان(ع) یا به نحو کلی باشد، همانند حق حاکمیت فقیه. (الگار، 1369: 25-9؛ بشیره، 1381: 25-8، 71-56)

در این زمینه و مدتها پیش از تأسیس حکومت جدید، آیت‌الله خمینی در کتاب کشف‌الاسرار تصریح کرده بود که «تأسیس حکومت به طوری که بر مردم، به حکم خرد، لازم باشد متابعت و پیروی از آن، از کسی روا و بجاست که مالک همه چیز مردم باشد و هر تصرفی در آنها بکند، تصرف در مال خود باشد و چنین شخصی که تصرف و ولایتش در تمام بشر به حکم خرد نافذ و درست است، خدای عالم است. غیر از حکم خدا یا آن که خدا تعیین کرده، هیچ حکمی را بشر نباید بپذیرد» (امام خمینی، بی‌تا: 182-181). مشروعیت ولایت فقیه نیز در سلسله ولایت پیامبر و امامان(ع) ناشی از تأیید خداوند است (همان: 188). در حقیقت؛ «ولایتی که برای پیغمبر اکرم(ص) و ائمه(ع) است، برای فقیه هم ثابت است» (همو، 1357: 172). آیت‌الله خمینی بر اساس نظریه امامت، تمامی حکومت‌های بعد از پیامبر(ص) را تا عصر حاضر، به جز دوره کوتاه حکومت

1101 داریوش نظری و همکاران

امام علی (ع)، حکومت جور می‌داند (مرو، 1369، ج 2: 654-627). بنابراین، از نظر ایشان، تنها حکومت معصوم و فقهای جامع‌الشرایط مشروعیت دارد و سایر حکومتها نامشروع و جائزند و بر فقهای جامع‌الشرایط واجب است که با ایجاد شرایط، به طور انفرادی یا جمعی تشکیل حکومت دهند. (همان: 624)

در چنین بستری، کلان‌روایت مرتضی مطهری از تاریخ، عوامل محرک آن، تکامل آن و سایر عناصر موجود در انگاره‌های تاریخ‌نگرانه وی، به صورتی مستقیم و عمیق به مسئله مشروعیت سیاسی پیوند خورد و نقشی غیر قابل انکار در تثبیت پایه‌های تئوریک این حکومت ایفا کرد؛ نقشی که به تاریخ و خوانش مجدد آن مربوط می‌شد و برای تثبیت و تداوم حکومت تازه تأسیس، حیاتی‌تر از هر مؤلفه دیگری بود. آنچه رخ می‌داد، تلاشی بود برای پیوند وضع موجود با تحولات صدر اسلام و بازخوانی مجدد آن دوره، اعم از متن مقدس و تحولات سیاسی، به منظور مشروعیت بخشیدن به وضعیتی که اکنون رخ داده بود. بنابراین، کلان‌روایت تاریخی مطهری با در نظر گرفتن این دو بعد تاریخی، مشروعیت نظام سیاسی موجود را به شکلی عمیق به گذشته پیوند داد.

یک (مطهری، مهدویت و انقلاب اسلامی)

در حال حاضر، ملتها از منطق زبانهای تک‌گفتار یکسویه قدرتهای حاکم به ستوه آمده‌اند و بر اساس فطرت و معیارهایی چون حق و عدل که پافشاری بر آن نیز جزیی از ارمان انقلاب اسلامی است، زبان حکمرانی و اداره جهان در حال دگرگونی است. روح جهان کنونی، روح عدالت و پذیرای آفرینش پیامهای غیر نظامی و فطرت‌محور است؛ زیرا بنابر تلقی فطری در انسان، انسان موجودی است دارای سرشت الهی، مجهز به فطرتی حق جو و حق طلب، حاکم بر خویشتن و آزاد از جبر طبیعت و محیط و سرشت و سرنوشت. بنابر این تلقی از انسان، ارزشهای انسانی در انسان اصالت دارد؛ یعنی بالقوه به صورت یک سلسله تقاضاها در سرشت او نهاده شده است. انسان به سبب سرشتهای انسانی خود، خواهان ارزشهای متعالی انسانی است و به تعبیر دیگر؛ خواهان حق، حقیقت، عدالت و مکرمتهای اخلاقی است و به موجب نیروی عقل خود می‌تواند طراح جامعه خود باشد. او نباید تسلیم کورکورانه محیط باشد و به موجب اراده نیروی انتخابگری خود، طرحهای فکری خود را به مرحله اجرا درمی‌آورد. (مطهری، 1374: 618)

دو (مطهری، انقلاب و تداوم طبیعی آن از صدر اسلام)

مطهری برای تبیین جایگاه حکومت اسلامی در عصر غیبت، به تبیین وظایف پیامبر پرداخت. او شئون پیامبر را بیان دستورها و احکام الهی از طریق وحی، منصب قضاوت که شأن الهی و حکم به عدل است، ریاست عامه و رهبری و مدیریت اجتماع مسلمین می‌داند. پیامبر در دو منصب آخر که منصب الهی بود، گاهی با مردم مشورت می‌کرد؛ مثل آنچه در جنگها اتفاق می‌افتاد. اما در منصب اول، مشورت نمی‌کرد (مثل عبادات، نماز و غیره). در تمام جزییات، وحی صورت نگرفته، بلکه شخص پیامبر به عنوان رئیس اجتماع،

1102 ♦ کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در ...

در اداره آن کارهایی کرده است (مطهری، 1376: 47-49). پس از پیغمبر، شأن اول او تعطیل شد؛ چون آنچه از اسلام باید گفته شود، به پیغمبر گفته شد و او به مردم ابلاغ کرد و ختم نبوت اعلام شد. اما دو شأن دیگر؛ یعنی رهبری اجتماع و مرجعیت دینی نمی‌توانست بلا تکلیف بماند؛ بنابر این، امامت و جانشینی پیامبر در این دو شأن استمرار دارد. اما امامت مساوی حکومت نیست، بلکه حکومت یکی از فروع و شاخه‌های بسیار کوچک امامت است؛ و گرنه اصلاً نیاز نبود که حاکم، معصوم و اعلم و افضل باشد. به نظر استاد مطهری، مسئله مهم در امامت، جانشینی پیغمبر در توضیح و تبیین و بیان دین؛ یعنی مرجع احکام دین بودن است (همان: 55-65). بر اساس چنین خوانشی، اهداف تأسیس حکومت اسلامی نیز در راستای تحقق بخشیدن به این روند تاریخی و تداوم اندیشه تکامل تاریخ، قابل فهم بود. بر اساس بینش و نگرش تاریخی - ایدئولوژیکی مطهری، هدف از تأسیس حکومت عبارت بود از بازگشت به اسلام راستین و احیای سنت‌های فراموش شده اسلامی، اصلاح شهرها یا سامان دادن به زندگی مردم، نجات مظلومان از شر ظالمان و اجرای مقررات اسلامی. (مطهری، 1367: 80-84؛ همو، 1366: 69-70)

سه) مطهری، انقلاب و مشروعیت موعودگرایانه

مسئله دیگری که پیوند وثیق کلان‌روایت تاریخی مطهری را با مسئله مشروعیت حکومت سیاسی نمایان می‌سازد، مفهوم ظهور و مهدویت است. در واقع؛ می‌توان این مفهوم را نقطه نهایی و لحظه پایانی تاریخ در کلان‌روایت مطهری دانست که در اندیشه تاریخی وی، با مسئله حکومت و سیاست پیوند پیدا می‌کند و به نوعی، حکومت مد نظر وی، مشروعیتش را از نحوه تعاملی می‌گیرد که با مفهوم مهدویت و ظهور برقرار می‌کند. مسئله مهدویت و ظهور برای مطهری، به مهم‌ترین مسئله در حل نهایی منازعات میان خیر و شر و برتری نهایی خیر و همچنین به معیاری برای تشخیص حق از باطل در پایان تاریخ تبدیل می‌شود. «اگر باطل از آمیختگی با حق جدا می‌شود، بر شک کنندگان هم بطلانش مخفی نمی‌ماند و اگر حق از لباس باطلی که بر او می‌پوشانند بیرون می‌آید، دیگر زبان معاندان از تعرض به ساحت او کوتاه می‌شود؛ ولی مشکل اینجاست که مقداری از این و مقداری از آن برمی‌دارند و با هم مخلوط می‌کنند و اینجاست که شیطان بر کسانی که ولایتش را پذیرفته‌اند، چیره می‌شود و کسانی که از سوی خدا، خوبی بر ایشان پیشی گرفته است، نجات می‌یابند. با توجه به اینکه مخلوط کردن حق و باطل همواره وجود داشته و خواهد داشت، این مردم‌اند که به سطحی از درک و شعور می‌رسند که می‌توانند جبهه حق را از جبهه باطل تشخیص دهند و چنین است که حکومت مهدی پیروز خواهد شد.» (مطهری، 1380: 249-266)

چهار) انقلاب سیاسی و تداوم حرکت فطری گرایانه تاریخ از دیدگاه مطهری

خوانشی که مطهری از مفهوم فطرت به دست می‌دهد، با آنچه تصوّر وی از تحرک تاریخ است، ملازم و پیوستگی دارد. در نتیجه چنین بینشی، تنها مؤلفه‌ای که می‌تواند به این روند کمک کند، ایجاد تحول در تاریخ و الزاماً تاریخ سیاسی است. وی درباره ماهیت مفهوم فطرت می‌گوید: چنین مفهومی دارای

1103 داریوش نظری و همکاران

ویژگی‌های است مانند کسب، جمع و حفظ تجارب و آموخته‌های دیگران و استفاده از آنها، یادگیری از راه بیان و قلم، مجهز بودن به نیروی عقل و ابتکار، میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری. از نظر او، این استعدادها و قابلیت‌ها، نیروهایی‌اند که انسان را به جلو می‌رانند (مطهری، 1373: 249-248). آنچه اهمیت دارد اینکه، در نگرش مطهری، چنین تبیینی از مفهوم فطرت، پیوستگی عمیقی با تغییر سیاسی و انقلاب ایجاد می‌کند؛ زیرا این فطرت اجازه می‌دهد تا انسان مدام به پیش برود و زندگی‌اش را به طور دایمی در حرکت و تغییر ببیند. لاجرم، فطرت کمالجویی انسان، پیوسته او را وادار می‌کند تا به آنچه رسیده است، اکتفا نکند و قانع نشود و به دنبال کشف و دستیابی به افق‌های جدید و نو باشد (مطهری، 1382، ج 1: 30). این کشف افق‌های نو صرفاً از مسیری سیاسی قابل حصول است و راهکار آن، تلاش برای تحول سیاسی و گذار انقلابی است. «اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایدئال و بالاخره، اجرای این ایده عمومی و انسانی اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان مؤمن و معتقدند» (مطهری، 1374: 5).

ج) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد با تمرکز بر مسئله کلان‌روایت تاریخ از منظر مرتضی مطهری، پیوند آن با مسئله مشروعیت حکومت سیاسی بررسی شود. مشخص شد که نگرش و بینش تاریخی مطهری، فراروایتی به دست می‌دهد که در آن برای کلیت تاریخ بشری، آغاز و انجامی مد نظر است که این آغاز و انجام بر اساس موازین و مندرجات دینی قابل فهم است. همچنین نمایان شد که اندیشه‌های تاریخی مطهری مؤلفه‌ها و عناصری دارد که به مثابه بنیانهای اعتقادی - ایدئولوژیکی تشیع مطرح‌اند؛ مؤلفه‌هایی مانند عوامل مؤثر در حرکت تاریخ، مسئله مهدویت، فطرت، حکومت اسلامی، نیابت فقها، تکامل تاریخ، نبرد خیر و شر، غلبه ایدئولوژی و معنویت و در نهایت، تاریخ. از هر کدام از این مؤلفه‌ها همزمان به عنوان پایه‌های ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی بهره‌برداری شد. حکومت اسلامی که نخستین بار قبل از انقلاب اسلامی از جانب آیت‌الله خمینی تا حدودی تئوریزه شده بود، فصلی از بنیانهای مشروعیت خود را از تاریخ می‌گرفت؛ تاریخی که در روایت شیعی آن، مهم‌ترین مسئله؛ یعنی واگذاری قدرت به فقهای جانشین امام غایب، به تأخیر افتاده بود؛ از مسئله ظهور غفلت شده بود؛ جریان تاریخ تحت تأثیر حضور حکومت‌های غاصب، از مسیر اصلی خود که همانا مسیر وعده داده شده در متن قرآن بود، بازمانده بود و می‌بایست اکنون و در لحظه روی کار آمدن حکومت جدید، این فرایند از سر گرفته شود. بنابر این، میان آنچه کلان‌روایت تاریخی مطهری نامیده شد و بنیانهای مشروعیت‌بخش حکومت انقلاب اسلامی، پیوندی وثیق و مستحکم برقرار شد و حکومت جدید، بخشی از مشروعیت تاریخی خود را از این نحوه تلقی و خوانش تاریخی اخذ کرد.

1104 ♦ کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در ...

نتایج این پژوهش نمایان ساخت که فکر تاریخی مرتضی مطهری و بینش تاریخی وی، با تثبیت و مشروعیت‌بخشی به انقلاب اسلامی در ایران پیوندی ایدئولوژیک و تئوریک برقرار کرد و پدیده سیاسی انقلاب در نظر وی، به مؤلفه‌ای مهم برای تداوم سیر روند تاریخ بر مبنای فطرت و مهدویت مبدل شد.



منابع

- الگار، حامد (1369). *دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجاریه)*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: طوس.
- امام خمینی، سید روح‌الله (1378). *صحیفه نور، 22 جلد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (بی تا). *کشف الاسرار*. [بی جا]: [بی نا].
- امام خمینی، سید روح‌الله (1357). *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*. تهران: امیرکبیر.
- بشیریه، حسین (1381). *دبیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی*. تهران: نگاه معاصر.
- پاول، جیمز (1379). *گام به گام با جهان فلسفه مدرن: پست‌مدرنیسم*. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: نظر.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (1377). *پس‌تجددگرایی و جامعه امروز ایران*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- حقیقی، شاهرخ (1381). *گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، دریدا، لیوتار*. تهران: آگاه.
- رودی، فائزه (1389). *روایت فلسفی روایت: از باستان تا پست‌مدرن*. تهران: علم.
- سروش، عبدالکریم (1357). *علم چیست؟ فلسفه چیست؟*. تهران: حکمت.
- فی، برایان (1381). *فلسفه امروز علوم اجتماعی: نگرشی چند فرهنگی*. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- لیوتار، فرانسوا (1380). *وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره دانش*. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: گام نو.
- مریام، آلن اچ. (1379). «رهبری فرهنگدانه در آسیای امروزی: مانو، گاندی، امام خمینی». *نقد و نظر*، ش 2-1.
- مطهری، مرتضی (1366). *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1380). *پانزده گفتار*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1367). *پیرامون جمهوری اسلامی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1373). *جامعه و تاریخ*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1376). *فطرت*. تهران: صدرا، چ چهارم.
- مطهری، مرتضی (1382). *فلسفه تاریخ*. تهران: صدرا، چ دوم.
- مطهری، مرتضی (1374). *قیام و انقلاب مهدی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1390). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1389). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدرا، چ دوم.
- Algar, Hamed (1990). **Religion and the State in Iran (The Role of Scholars in the Qajar Period)**. Translated by Abolghasem Seri. Tehran: Toos Press.
- Bashirieh, Hossein (2002). **A Discourse on Iranian Political Sociology, The Islamic Republic**. Tehran: neghahe moaser Pub.
- Fei, Brian (2002). **The Philosophy of Today's Social Sciences: A Multicultural Approach**, Translated by Khashayar Deyimi. Tehran: Tarhe no Publishing.

- Haghghi, Shahrokh (2002). **The Transition to Modernity? Nietzsche, Foucault, Derrida, Lyotard.** Tehran: Agah Publishing.
- Hosseini Beheshti, Seyed Alireza (1998). **Postmodernism and Today's Iranian Society.** Tehran: Islamic Culture Publishing.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1978). **Faghih Province: Islamic State.** Tehran: Amir Kabir Publications.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1999). **Light Scene,** 22 Vol. Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini, Ruhollah (N.D.). **Discover Al-Asrar.** (N.P.)
- Lyotard, François (2001). **The Postmodern Status: A Report on Knowledge.** Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: gham no.
- Maryam, Alan. H. (2000) "**The Wise Leadership in Modern Asia: Mao, Gandhi, [Khomeini]**". *Journal of Criticism and Commentary*, No. 1-2.
- Motahhari, Morteza (1987). **An Overview of the Islamic Movements in the Recent Hundred Years.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1988). **About the Islamic Republic.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1994). **Society and History.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1995). **Mehdi Uprising and Revolution.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1997). **Fitr.** Fourth ed. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2001). **Fifteen Speeches.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2003). **Philosophy of History.** Second. ed Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2010). **Notes by Professor Motahhari.** Second. ed Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2011). **Collection of Works.** Tehran: Sadra.
- Powell, James (2000). **Step by Step with the World of Modern Philosophy: Postmodernism.** Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: Nazar Publishing.
- Rudy, Faezeh (2010). **The Philosophical Narrative of Narrative: From Ancient to Postmodern.** Tehran: Elm Publishing.
- Soroush, Abdulkarim (1978). **What is Science, what is Philosophy?.** Tehran: hekmat.



فهرست مندرجات فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی /
شماره‌های 85-82، سال 1399

- معرفی و ارزیابی طبقه‌بندی‌های رویکردهای علم دینی؛ گامی به سوی طبقه‌بندی جامع رویکردهای علم دینی / سید محمدتقی موحد ابطحی / ش 82، بهار 1399 / ص 5
- نظریه‌ای در خصوص تحول معرفتی بر اساس روش داده‌بنیاد / کریم مهری / ش 82، بهار 1399 / ص 25
- مؤلفه‌های اخلاقی - اسلامی برای گذار به دانشگاه نسل سوم تحلیل محتوای بیانات رهبر انقلاب / نادر نادری ، وجه‌الله قربانی‌زاده ، محمد امینی / ش 82، بهار 1399 / ص 47
- تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان در ساختار فتوت‌نامه‌ها با تکیه بر رویکرد نظام‌محور (نمونه موردی: فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه) / نسیم اشرافی / ش 82، بهار 1399 / ص 71
- بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به مؤلفه‌های اسلامی شدن دانشگاهها / پریناز طوقدار حسینی، صادق ملکی آوارسین / ش 82، بهار 1399 / ص 89
- بحرانهای اخلاقی تمدن عصر جدید / فاطمه‌السادات هاشمیان ، سید احمد غفاری قره‌باغ / ش 82، بهار 1399 / ص 111
- جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد (ع) از دیدگاه اهل سنت / مرضیه برزن، کریم نجفی برزگر، اصغر قانندان، سیدحسین قریشی / ش 82، بهار 1399 / ص 129
- بررسی و نقد مبانی نظریه تفسیر قرآن دکتر نصر حامد ابوزید / صغری خیرجوی / ش 82، بهار 1399 / ص 151
- معیارهای ارزش‌شناختی اخلاق در نهج‌البلاغه با نگاه بر مکاتب وظیفه‌گرا و غایت‌گرای اخلاقی / علی سرلک ، فاطمه سعیدی / ش 82، بهار 1399 / ص 169
- منشأ پیدایش هویت ملی؛ پارادایم‌ها و رویکردها / میثم بلباسی ، یوسف باقری / ش 82، بهار 1399 / ص 189
- بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره) / سیدحامد عنوانی ، سیدحسین سیدموسوی ، وحیده فخار نوغانی ، سیدمرتضی حسینی شاهرودی / ش 82، بهار 1399 / ص 219
- بررسی کیفی علل انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند / علی محمد میرجلیلی، محمدحسین فلاح ، احمد زارع زردینی ، سمیه یوسفی / ش 82، بهار 1399 / ص 239
- تبیین تأثیر فضایل و ردایل بر ادراک از منظر آیات و روایات / سید ابوالفضل نورانی / ش 83، تابستان 1399 / ص 269
- بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها / ابراهیم خسروی ، اکبر صالحی، علیرضا محمودنیا ، محسن ایمانی نائینی / ش 83، تابستان 1399 / ص 289
- طبقه‌بندی جامع رویکردهای علم دینی / سید محمدتقی موحد ابطحی / ش 83، تابستان 1399 / ص 309
- ارزیابی ادله انتکار علم دینی (بر اساس دیدگاه عبدالکریم سروش) / احمد شه‌گلی / ش 83، تابستان 1399 / ص 331
- بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ایلخانان (مطالعه موردی: ربیع رشیدی) / بهرام کارجو اجیرلو ، حبیب محمدنژاد چاوشی / ش 83، تابستان 1399 / ص 353
- تأملاتی پیرامون تمایز باور و پذیرش در معرفت‌شناسی / سید حسین عظیمی دخت / ش 83، تابستان 1399 / ص 371
- گفتگوهای پدر و فرزند در قرآن از منظر رتوریک / رمضان رضائی / ش 83، تابستان 1399 / ص 387

- معیارهای بینشی حل دو راهه اخلاقی استقلال و استبداد رأی در داوری بر اساس منابع دینی / محمدرضا جواهری ، عباس عبدی ، ناهید مشائی / ش 83 ، تابستان 1399 / ص 401
- ریزشها و رویشهای حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان / محدثه معینی فر ، مریم معینی فر / ش 83 ، تابستان 1399 / ص 417
- ملاحظات در باب تحول در علوم اجتماعی با تأکید بر بنیانهای تحلیل اقتصادی / محمدجواد رضائی ، مهدی موحدی بکنظر / ش 83 ، تابستان 1399 / ص 439
- آیا فناوری از لحاظ ارزشی جهت دارد؟ / حسین مطیع / ش 83 ، تابستان 1399 / ص 459
- بررسی موانع و مشکلات تولیدات علمی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی / میترا صمیعی / ش 83 ، تابستان 1399 / ص 481
- ○ ○
- ماهیت مدل و مؤلفه‌های مدل شناختی در تولید علوم انسانی اسلامی / مرضیه عبدلی مسینان / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 517
- مبانی اخلاقی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی / غلامرضا اسم حسینی ، نجف لک‌زایی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 543
- تأثیرگذاری فلسفه بر روش‌شناسی اقتصاد (مطالعه تطبیقی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی) / محسن زنگنه / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 565
- تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی (با تأکید بر رویکرد اسلامی به فرهنگ شایسته‌محوری) / جواد پورکریمی ، الهه عرب‌زاده ، فاطمه اردو / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 585
- نقش کاربردی قاعده فقهی تحذیر بر مسئولیت مدنی مریبان و بهبود عملکرد آنان / ریحانه حسنپور ، اسدالله لطفی ، مرضیه پله‌ور / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 609
- نقد محتوایی احادیث ناظر به جنین‌شناسی، با تأکید بر مصداق‌شناسی ترابط علم و دین / سعید حسینی ، ملک سلیمانی مهرنجانی ، عبدالحسین خسروپناه / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 627
- واکاوی موانع تکوین تفکر دینی در دانشجویان / نیره شاه‌محمدی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 649
- نقد اصل ابداعی حاکم بر تربیت اخلاقی فایده‌گرای جان استوارت میل بر اساس قاعده اسلامی لاضرر / شهناز شهریاری نیسیانی ، رضاعلی نوروژی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 669
- کاربست تحلیلی مبانی انسان‌شناختی قرآنی در نظریه فراد اجتماعی توماس هابز / عبدالحسین خسروپناه ، محمدهادی امین‌ناجی ، محمدحسن صالحی هفشجانی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 691
- تبیین دیدگاه تمثیلی علامه طباطبائی پیرامون ابلیس / علیرضا پارسا ، محمدعلی کریمی ، سید علی علم‌الهدی ، رضا رسولی شریبانی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 709
- حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی / مصطفی نجفی ، فرهاد زیویار ، مسعود مطلبی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 733
- گونه‌شناسی تفاسیر عرفانی و تحلیل آنها / اکرم حسین‌زاده ، محمد شریفی / ش 84 ، پاییز 1399 / ص 749
- ○ ○

نمایه ◆ 1109

- چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری و راهکارهای برون‌رفت از آن/ ابوذر رجیبی / ش 85، زمستان 1399/ ص 789
- نقد کتاب درسی «فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی» با روش تحلیل محتوا/ سیده زهرا موسوی ، رضا حبیبی / ش 85، زمستان 1399/ ص 821
- ارتباط آموزه‌های تربیتی دعای ابوحمزه ثمالی با رشد مهارت‌های اجتماعی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان/ محمدتقی میشری ، محمود صفری ، ابوالفضل صابری / ش 85، زمستان 1399/ ص 841
- تحلیل آماری پایان‌نامه‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت در 80 سال اخیر (1317-1399)/ معصومه امینی ، عبدالله غلامی ، سعیده پوراحمد / ش 85، زمستان 1399/ ص 859
- دلایل مرتضی مطهری دربارهٔ معناداری علم اجتماعی اسلامی/ مهدی جمشیدی / ش 85، زمستان 1399/ ص 879
- بررسی وجود ذهنی در هستی‌شناسی معرفت حکمت متعالیه و استنتاج دلالت‌های آن برای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی/ محمد شهریاری ، سعید بهشتی ، محسن ایمانی ، طیبه ماهرورزاده / ش 85، زمستان 1399/ ص 895
- الهیات سلبی در حوزه معرفت‌شناختی صفات الهی در اندیشهٔ ابن میمون یهودی و دکتر صادقی تهرانی/ محمداسماعیل صالحی‌زاده ، محمدعلی اسماعیلی ، سید عبدالله اصفهانی / ش 85، زمستان 1399/ ص 915
- مؤلفه‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی بر اساس سیرهٔ نبوی/ حامد جوکار ، علیرضا حیدرزاده ، مهدی رضازاده جودی / ش 85، زمستان 1399/ ص 933
- تحلیلی بر مفهوم «مکتب» و «پارادایم» و ابتدای روش‌شناسانهٔ آنها از منظر آیت‌الله سید محمدباقر صدر و توماس کوهن/ بهنام طالبی طادی ، محمدرسول آهنگران ، نوید امساکی / ش 85، زمستان 1399/ ص 959
- مقام بساطت، نقطهٔ عطف حکمت متعالیه و عرفان ابن عربی در مواجهه با بحث صفات الهی/ نفیسه مصطفوی / ش 85، زمستان 1399/ ص 977
- نسبت‌شناسی ایمان با مفاهیم هم‌نشین در دیدگاه ابن تیمیه/ حمزه‌علی بهرامی / ش 85، زمستان 1399/ ص 995
- مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (ره) / اسم حسینی / ش 85، زمستان 1399/ ص 1015
- بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی جریان و جریان‌شناسی/ علی ابراهیم پور / ش 85، زمستان 1399/ ص 1031
- تحلیل و بررسی ادلهٔ سلفی‌گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع) / سید مصطفی حسینی / ش 85، زمستان 1399/ ص 1073
- کلان‌روایت تاریخی مرتضی مطهری و جایگاه آن در مشروعیت‌بخشی انقلاب اسلامی/ داریوش نظری ، اکرم کر معلی ، احسان صادقیان دهکردی ، مجتبی ذهابی / ش 85، زمستان 1399/ ص 1093

